

# عمار حكيم و حيدر عبادي بازندگان بزرگ اين انتخابات بودند

محمدصالح صدقيان در گفتوگو با  
«اعتماد»:

## مردم عراق دنبال يك نخستوزير مقتدر هستند

شهاب شهنساري

با اعلام نتايج انتخابات عراق، گمانه‌زني‌ها در مورد حكومت آينده اين کشور آغاز شده است. مصطفي كاظمي، نخستوزير پيشين، بنا به وعده‌اي كه داده بود در انتخابات شركت نكرد تا گروه‌هاي سياسي در عراق براي ماراتن رايزني‌ها براي انتخاب نخستوزير جديد آماده شوند. محمدصالح صدقيان، پژوهشگر مسائل منطقه معتقد است كه هيچ يك از گروه‌هاي عراقي به تنهائي قادر به تشكيل دولت نيستند و بايد مانند هر ۴ پارلمان قبلي در اين پارلمان هم يك نخستوزير توافقي و اجماعي امور را در اختيار بگيرد. صدقيان معتقد است كه تغيير قانون انتخابات عراق باعث شد برخي از گروه‌هاي سياسي عراقي با برنامه‌ريزي نامناسب در اين انتخابات شركت كنند و به دليل اشتباه‌هاي محاسباتي در برنامه‌هاي تبليغاتي و اعلام نامزدهاي خود با شكست مواجه شوند. در ادامه متن كامل گفتوگوي «اعتماد» را با محمدصالح صدقيان، پژوهشگر مسائل منطقه مطالعه مي‌كنيد.

نتايج انتخابات عراق نشان مي‌دهد كه مقتدي صدر و حاميانش با بيش از هفتاد كرسي، بزرگ‌ترين فراكسيون پارلمان عراق را تشكيل مي‌دهند. فكر مي‌كنيد مسير تشكيل دولت در عراق با محوريت جريان صدر ساده باشد يا اينكه دچار پيچيدگي‌هايي شود؟

هدف جريان صدر از شركت در اين انتخابات رسيدن به ۱۰۰ كرسي

پارلماني بود. منتها اين نتيجه براي آنها ميسر نشد، دليلش هم اين است كه طرفداران اين گروه در عراق تعداد ثابتي هستند. در طول سالهاي گذشته نه از تعداد هواداران جريان صدر كاسته شده و نه به آنها افزوده شده است. بعيد است كه يك جريان يا يك حزب، چه شيعه و چه سني به تنهائي بتوانند دولتي تشكيل دهند. از سال ۲۰۰۳ و در پي اشغال عراق از سوي امريكا، نقشه انتخاباتي و سياسي عراق به شكل پيچيده و سختي چيده شده است كه هيچ طرفي به تنهائي نمي‌تواند يك دولت تشكيل دهد. در طول ۱۸ سالي كه از اشغال نظامي عراق مي‌گذرد تاكنون پنج انتخابات برگزار شده است و در هيچ يك از اين انتخاباتها يك جريان يا يك حزب به تنهائي نتوانسته‌اند به اكثريتي دست پيدا كند كه دولت حزبي تشكيل دهد. جريان صدر در چهار پارلمان گذشته در دولت‌ها حضور داشتند، ديگر جريان‌ها هم در دولت نقش داشتند، در دو دولت قبلي جريان‌هاي فتح، دولت قانون و حكمت ملي و كردها و سني‌ها وزرايي در كابينه داشتند. الان هم در تشكيل حكومت، انتظار نمي‌رود كه اتفاق تازه و غيرطبيعي رخ دهد يا تغييرات عمده‌اي در نحوه تشكيل حكومت داشته باشيم و يك دولت ائتلاف با مشاركت تعداد زيادي از گروه‌ها و فهرستها تشكيل خواهد شد. الان همه گروه‌ها براي مذاكرات تشكيل دولت اعلام آمادگي كرده‌اند. جريان صدر پنج نفر را براي گفتگو با گروه‌هاي ديگر معرفي كرده است. جريان دولت قانون هم يك نفر را معرفي كرده است. مذاكرات به زودي آغاز خواهد شد و گروه‌هاي مختلف باهم مشورت مي‌كنند تا يك فرد اجماعي و توافقي را براي نخست‌وزيري معرفي كنند.

**نزديكان آقاي صدر و نمايندگان جريان سائرون در گفتگوهاي مختلف گفته‌اند كه اين بار قصد دارند يك نامزد حزبي براي نخست‌وزيري معرفي كنند و يك نفر از ميان ۷۳ نماينده منتخب اين گروه به مقام نخست‌وزيري برسد. فكر مي‌كنيد ديگر گروه‌ها با چنين پيشنهادي موافقت كنند؟**

من بعيد مي‌دانم چنين چيزي امكان‌پذير باشد. براساس قانون بزرگ‌ترين فراكسيون پارلمان مي‌تواند فردي را براي نخست‌وزيري معرفي كند. اما خب نهايتا اين فرد بايد از ۳۲۹ نماينده پارلمان راي اعتماد بگيرد، عده كرسني‌هاي آقاي صدر خيلي كمتر از اين است كه به تنهائي بتواند در مورد نخست‌وزير تصميم بگيرد. علاوه بر اين، گروه‌هاي ديگر ممكن است در ائتلاف با يكديگر يك ائتلاف بزرگ‌تر تشكيل دهند و جريان‌هايي مانند دولت قانون، ائتلاف فتح و ديگران با عددي بزرگ‌تر از جريان صدر، خواستار معرفي نخست‌وزير شوند. من بعيد مي‌دانم كه

جریان صدر به تنهایی بتواند تعیین‌کننده نخست‌وزیر آینده باشد.

همان‌طور که عرض کردم توقع جریان صدر این بود که به ۱۰۰ کرسی برسد، اما این نتیجه را نگرفت. همان‌گونه که مقتدی صدر در رسیدن به عدد کرسی‌های مورد نظرش ناموفق بود، هر چند که خیلی دوست دارد نخست‌وزیر را شخصا معرفی کند، اما در این مسیر هم احتمالا ناموفق خواهد ماند. درست است که نقش صدر در تشکیل همه دولت‌های پیشین پررنگ بوده و هوادارانش در نقشه سیاسی عراق نفوذ و قدرت بسزایی دارند، اما اینکه مقتدی صدر به تنهایی تعیین‌کننده آینده سیاسی عراق باشد به دلیل تکثر نیروهای دیگر و قدرت و نفوذ گروه‌ها و ائتلاف‌های دیگر سیاسی، من بعید می‌دانم که موفق باشد. بقیه گروه‌ها قبول نمی‌کنند که یک جریان تمام قدرت را در اختیار بگیرد. به علاوه اینکه وضعیت کنونی عراق با دو سال پیش که آقای کاظمی انتخاب شد، تفاوت کرده است. حاکمیت عراق تحت فشار است، مردم انتظارات بالایی دارند، مسائلی در خصوص تقلب در انتخابات و اینها هم مطرح شده‌اند که وضع را پیچیده‌تر می‌کند و اجازه نمی‌دهد که یک طرفه به تنهایی حکومت تشکیل شود. البته نباید تصور شود که اگر یک ائتلاف مقابل آقای صدر تشکیل شود، آنها به تنهایی می‌توانند حکومت تشکیل دهند، قطعاً اگر جریان فتح و دولت قانون و هواداران حشدالشعبی، یک ائتلاف بزرگ‌تر تشکیل دهند، آنها هم به مشارکت دیگر احزاب و گروه‌ها و خود جریان صدر برای تشکیل دولت نیاز دارند. نهایتاً باید یک توافق برای تشکیل دولت میان همه گروه‌ها شکل بگیرد.

در این انتخابات برخی از جریان‌ها که امیدواری‌های زیادی داشتند، از جمله جریان حکمت ملی و ائتلاف نصر به رهبری نخست‌وزیر پیشین، حیدر عبادی، با نتایج ناامیدکننده‌ای مواجه شدند. دلیل این شکست چه بود؟

من تصور می‌کنم که این دو گروه کمتر از حقشان در این انتخابات به توفیق رسیدند. جریان‌های نصر و حکمت ملی نزدیک به ۴ یا ۵ کرسی در پارلمان به دست آورده‌اند که نسبت به مجموع بیش از ۶۰ کرسی پیشین آنها بسیار کمتر بود. اما مشکل از اینجا بود که نحوه بسته شدن فهرست‌ها و تبلیغات این دو گروه دچار مشکل بود. در قانون انتخابات جدید، حوزه‌های انتخاباتی از ۱۹ حوزه به ۸۳ حوزه افزایش یافته بود و اینها خوب نتوانستند استراتژی صحیحی برای حفظ کرسی‌هایشان در ساختار جدید انتخاباتی داشته باشند و با یک شکست غیرمنتظره مواجه شدند. واقعیتش را بخواهید اگر بخواهیم دو نفر را نام ببریم که واقعا شکست‌خورده انتخابات امسال بودند آقایان عمار حکیم و حیدر

عبادي بودند. من فکر می‌کنم که حقشان بیش از ۱۵ کرسی بود. اما ورودشان به این انتخابات و در چارچوب نظام انتخاباتی جدید با اشتباه محاسباتی انجام و نهایتاً به يك معضل سیاسی برای این دو رهبر سیاسی تبدیل شد.

## جریان فتح هم تعداد زیادی از کرسی‌های خود را از دست داد تا جایی که حتی اعتراض‌هایی هم مبني بر تقلب از سوی این جریان مطرح شد، آیا می‌توان گفت جریان‌های نزدیک به حشدالشعبی در این انتخابات ناکام بودند؟

مردم با حشدالشعبی هستند. من تردیدی در این موضوع ندارم که مردم کنار این جریان هستند و از آن طرفداری می‌کنند، به ویژه در ۹ استان با اکثریت شیعه عراق، مردم کنار حشدالشعبی ایستاده‌اند. حتی در نقاط سنی‌نشین مانند موصل و دیاله حشدالشعبی طرفداران زیادی دارد. منتها دو مساله وجود دارد. یکی اشتباه محاسباتی و ناآشنایی با نظام جدید انتخابات که باعث کاهش تعداد کرسی‌های جریان فتح شد. مساله دوم اما مربوط می‌شود به رفتارهای برخی از افراد منتسب به حشدالشعبی که گاهی باعث جنجال‌هایی شده است. اصل حشدالشعبی مورد قبول مردم عراق است، اما برخی افراد هستند که با انتساب به این جریان اقداماتی انجام داده‌اند که باعث وهن یا کاهش محبوبیت سیاستمداران نزدیک به حشدالشعبی شده است. يك مساله سوم هم وجود دارد که باید به آن توجه کرد؛ مردم عراق بعد از داعش دنبال يك مجلس مقتدر و يك نخست‌وزیر مقتدر هستند. در انتخابات مشاهده کردیم که از يك طرف طرفداران جریان صدر اثرگذار بودند که تعداد آنها و رای آنها مشخص است، از طرف دیگر تحریم‌کنندگان و مایوسان بودند که آنها هم در انتخابات شرکت نکردند، جریان سومی که در انتخابات گسترده مشارکت کردند، افرادی بودند که خواهان تشکیل يك دولت قدرتمند و مقتدر بودند. بیانیه دفتر آیت‌الله سیستانی برای دعوت از شهروندان برای مشارکت در انتخابات کمک کرد تا تعداد بیشتری پای صندوق‌های رای بروند و این دسته از افرادی که دنبال تشکیل دولت مقتدر بودند، بیش از هر کسی به جریان دولت قانون تحت رهبری نوری‌المالکی رای دادند.

خواست مردم عراق امروز این است که يك مجلس مقتدر و يك نخست‌وزیر مقتدر داشته باشند که بتواند وضعیت عراق را جمع و جور کند. امروز

در عراق، دولت بسیار ضعیف است، فساد گسترده شده، خدمات عمومی بسیار ناچیز هستند و وضع آب، برق، گاز، بهداشت و سلامت، آموزش و پرورش و اینها بسیار خراب است. مردم خسته شده‌اند و دوست دارند يك دولت قوي و مقتدر روي کار بیايد که این مسائل را جمع و جور کند. وقتی مي‌گويم که بعيد مي‌دانم يکي از طرفداران صدر به قدرت برسد، يکي از دلایلش این است که در میان نمایندگان که از جریان صدر انتخاب شده‌اند، فرد شناخته‌شده مقتدر با سابقه و حکمت و تدبیر کافی برای جمع کردن وظیفه سنگینی که در دولت عراق وجود دارد، ندارند. اعتقاد من این است که افرادی در جریان دولت قانون هستند که می‌توانند این مسوولیت را بر عهده بگیرند، هر چند بعيد است که خود آقای مالکی وارد میدان شود، اما افراد دیگری هستند که توانمندی داشته باشند. مردم عراق و بقیه گروه‌های سیاسی هم ترجیح می‌دهند که فردی قوي و شناخته‌شده قدرت را در اختیار بگیرند و فکر نکنم کسی تمایل داشته باشد که يك فرد ناشناخته و ضعیف قدرت را در اختیار بگیرد.

**در بین گروه‌های اهل تسنن هم شاهد نوعی تحول بودیم. محمد حلبوسی با جمع کردن هوادارانش الان به يك قدرت بدون رقیب تبدیل شده است و دیگر رهبران سنی از جمله دو رییس مجلس پیشین یعنی اسامه نجیفي و سلیم جبوری را شکست داد. علاوه بر جریان آقای حلبوسی، جریان خمیس خنجر هم توفیق زیادی در این انتخابات داشت. دلیل این تغییرات در میان جریان‌های اهل تسنن چیست؟**

اهل تسنن يك مشکل اساسی در عراق دارند. مشکل این است که سیاستمداران اهل تسنن تصور می‌کنند که شیعیان قدرت و حکومت را در عراق از آنها گرفته‌اند. سنی‌ها در عراق بیش از هزار سال قدرت مطلق را در اختیار داشتند. اینکه در ۱۸ سال گذشته بعد از يك دوره حکومت ۱۰۰۰ ساله قدرت در اختیار شیعیان قرار گرفته است، برای اهل سنت گران تمام شده است. محمد حلبوسی، وعده‌هایی داده است که این مشکل را تا حدی کمرنگ می‌کند. حلبوسی با استناد به حقوق مصرح در قانون اساسی برای تشکیل مناطق خودمختار در عراق مشابه منطقه اقلیم کردستان، وعده داده است که برای تشکیل يك اقلیم خودمختار سنی تلاش کند. این اقلیم سنی اجازه می‌دهد که يك دولت خودمختار درون عراق تشکیل شود. حلبوسی با این وعده و ترفند توانست آرای زیادی جلب کند. در برابر او اسامه نجیفي در موصل قرار داشت. متأسفانه در طول سال‌های گذشته رفتار خانواده نجیفي، باعث انتقادهای زیادی شده است. فراموش نکنیم که ائیل النجیفي، برادر

اسامه، زمانی که داعش موصل را تصرف کرد، استاندار این استان بود. موصل در تمام این سال‌های بسیار، تضعیف شده است، وضع اقتصادی و عمرانی بسیار بدی دارد و به همین دلیل، نمایندگان این شهر یعنی آقای نجیفی محبوبیتش را از دست داده است. علاوه بر همه اینها در میان اهل سنت، همواره از گذشته در جریان‌های سیاسی يك رقابت میان موصل و استان انبار وجود داشته است، یعنی همواره قدرت یا در اختیار موصلی‌ها بوده است یا انباری‌ها. در دهه‌های گذشته در دوران حکومت سنی هم این رقابت‌ها وجود داشت. در دوران عبدالسلام عارف، ارتش عراق در اختیار موصلی‌ها بود. در دوران صدام قدرت ارتش در اختیار فلوجه و استان انبار قرار گرفت. صدام اعتماد زیادی به شهروندان انبار در رمادی و فلوجه داشت و قدرت زیادی را در ارتش در اختیار آنها قرار داده بود. محمد حلبوسی، از سیاستمداران استان انبار محسوب می‌شود و توفیق او در رسیدن به ریاست مجلس نشان می‌دهد که دور در میان اهل سنت، فعلاً دور سیاستمداران اهل استان انبار است. حلبوسی با شعار ایجاد اقلیم غرب عراق برای سنی‌ها، توانسته است حمایت خوبی کسب کند، هر چند بعضی معتقدند که این مسیر به تجزیه عراق منتهی می‌شود. این شعار و این رفتارها مورد پسند رای‌دهندگان اهل سنت عراق است و به نوعی تصور می‌کنند که با تشکیل يك حکومت خودمختار دست‌کم بخشی از قدرتی که در بغداد به شیعیان واگذار کرده‌اند به آنها بازگردانده می‌شود.

**مقتدی صدر و محمد حلبوسی هر دو مشهور به نزدیکی به عربستان سعودی هستند. فکر می‌کنید اینکه این دو طرف توانسته‌اند دو فراکسیون اصلی پارلمان را در اختیار بگیرند، چه تاثیری در آینده سیاست خارجی عراق خواهد داشت و تا چه اندازه این کشور را ممکن است به سمت اردوی عربستان سعودی در منطقه متمایل کند؟**

برای جواب این سوال باید به مساله حشدالشعبی اشاره کرد. برای برخی از نیروهای خارجی و تعدادی گروه‌های داخلی، حشدالشعبی يك مشکل محسوب می‌شود. مردم عراق، عموماً و اکثراً هوادار و خواهان حشدالشعبی هستند. مردم می‌دانند که حشدالشعبی تا چه اندازه ریشه‌های ملی دارد و به امنیت مردم کمک کرده است. برای مثال فهرست بابلیون در موصل به تنهایی ۵ کرسی مسیحیان را در اختیار خود گرفت. خب این فهرست از فهرست‌های منتسب به حشدالشعبی است. یعنی مقاومت، حشدالشعبی و محور مقاومت نه تنها در میان شیعیان، بلکه در مناطق اهل تسنن و میان مسیحیان عراقی هم محبوب است.

عربستان سعودی از جمله کشورها و نیروهای است که مخالف موجودیت

حشدالشعبي و مقاومت عراق محسوب ميشود. اما با توجه به محبوبيت اين مفاهيم در ميان شهروندان عراقي، من بعيد ميدانم يك شخصيت شيعه مانند مقتدي صدر، بيش از اين به سمت عربستان سعودي تمايل پيدا كند. محمد حلبوسي ممكن است كه بيشتر با سعوديها رابطه اش را نزديك كند، اما خب ميدانيم كه بسياري از سياستمداران سني عراقي بخش عمده حمايت و پاينگاهشان در خارج از كشور است. چه حلبوسي و چه اسامه نجيفي و خميس خنجر، همگي پاينگاه خارجي دارند و بيشتر به حمايت عربستان و اردن و تركيه و كشورهاي خليج فارس تكيه ميكنند. طبيعي هم هست، چون اينها اقليت سني عراق هستند و تلاش ميكنند كه با تكيه به قدرتهاي اهل تسنن منطقه اعتبار خودشان را افزايش دهند. در آستانه انتخابات انتشار همزمان دو عكس بسيار جلب توجه كرد. چند روز قبل از انتخابات يك عكس از محمد حلبوسي در ديدار با رجب طيب اردوغان، رييسجمهور تركيه و بلافاصله عكسي دقيقا مشابه از خميس خنجر و رجب طيب اردوغان منتشر شد. براي صدر اما وضعيت متفاوت است. پاينگاه مردمی مقتدي صدر در استانهاي شيعه نشين عراق است و اگر بخواهد كه بيش از پيش به عربستان سعودي تكيه كند و به سمت اين پادشاهي تمايل پيدا كند، سرنوشت سياسي اش بسيار تحت تاثير قرار ميگيرد.

بخشي از افرادي كه گفته ميشود كمتر در اين انتخابات مشاركت كردند، معترضاني بودند كه دو سال پيش در عراق به خيابانها آمدند. هر چند آقاي علا ركابي و جنبش امتداد او نزديك به ۱۰ كرسي در پارلمان برده است، اما آيا ميتوان گفت كه جنبش اعتراضی دو سال پيش، هنوز به صورت يك آتش زير خاكستر مانده و اين انتخابات هم نتوانسته آنها را راضي كند و ممكن است در آينده دوباره اعتراضات از سر گرفته شود؟

جريان اعتراضات دو سال پيش عراق در پي نارضايتي بخشي از مردم عراق رخ داد. اين مردم قيام كردند و شعار آنها ضدفساد بود و دنبال قدرت مقتدر و بهبود خدمات عمومي بودند. يكسري از جوانان هم بودند كه اميدي به آينده نداشتند و قيامي را شروع كردند. اما در كنار اين نارضايتيها، جريانهايي از خارج از عراق وجود داشت. دولت ايالات متحده امريكا به صورت مستقيم در تحريك و تكثر اين مساله نقش بازي كرد. منظورم از امريكا در واقع جرياني از سياستمداران در دولت دونالد ترامپ است، يعني مايك پمپئو، جارد كوشنر و جان بولتون. پمپئو قبل از اكتوبر ۲۰۱۹ و آغاز اعتراضات در عراق به بغداد سفر كرد و علنا به نخستوزير وقت عراق، عادل عبدالمهدي و

برهم صالح، رییس‌جمهور گفت «ما می‌خواهیم دست‌های ایران را از عراق قطع کنیم و اگر با ما باشید، توفیق پیدا می‌کنید، اگر بر ما باشد، دست او هم قطع خواهد شد.» دقیقا چهار-پنج ماه بعد از این سفر مساله انقلاب اکتبر یا تشرین آغاز شد که به سقوط عادل عبدالمهدی انجامید. با پایان حکومت دونالد ترامپ و کنار رفتن این سه نفر از قدرت در امریکا، بخش اصلی محرکان جریان انقلابی در عراق کنار رفته است. علاوه بر امریکایی‌ها، گروه دیگری که قصد داشتند از نارضایتی مردم برای بازگشت به قدرت استفاده کنند، حزب بعث عراق بود. حزب بعث عراق در اردن حضور دارند. ارتباط حزب بعث با کسانی که در اعتراضات دو سال پیش نقش داشتند و حمایت‌ها و تبلیغات حزب بعث کاملا روشن و مشخص بود. امریکا و بعثی‌ها، تشخیصشان این بود که عادل عبدالمهدی مهره ایران است و باید کنار گذاشته شود، این اتفاق هم افتاد و آقای عبدالمهدی از قدرت ساقط شد و به جای او مصطفی کاظمی روی کار آمد و تظاهرات هم متوقف شد. بعد از مدتی اما با کنار رفتن ترامپ از قدرت، دیگر بعثی‌ها هم احساس تنهایی کردند و دیگر توانایی ادامه دادن به آن حجم از اعتراضات را نداشتند. در طول این مدت آقای کاظمی که خودش از مجموعه امنیتی عراق بود، توانست تا حدودی به وضع کشور ثبات بدهد و دیگر می‌توان گفت که عملا جریان اعتراضات دو سال پیش تمام شده است و آنچه از آن باقی مانده است همین چند نفری هستند که امروز با انتخابات توانسته‌اند وارد پارلمان شوند. اینها افرادی هستند که صادقانه دنبال پایان دادن به مسائل فساد و مشکلات خدمات عمومی بودند. این ۱۰ نفری که در ناصریه و بغداد و چند حوزه دیگر به پارلمان راه یافته‌اند، نامزدهای مردمی این جریان هستند.

**خیلی‌ها معتقدند که اگر مشارکت در انتخابات بیشتر بود، نتایج بسیار متفاوتی را شاهد بودیم.**

قطعا این‌گونه است. من از ابتدای گفت‌وگو هم عرض کردم که تعداد هواداران مقتدی صدر ثابت هستند. اینها اصلا تحریم هم نمی‌کنند و نکردند و همه برای رای دادن پای صندوق می‌آیند. دیگر احزاب هستند که با مشارکت مشکل دارند، یعنی ناامیدی و یأس در میان رای‌دهندگان به دیگر گروه‌ها آسیب می‌زند. من از ابتدا هم این را در نوشته‌هایم تذکر داده بودم که اگر درصد شرکت‌کنندگان پایین‌تر باشد به نفع مقتدی صدر می‌شود و هر اندازه که درصد مشارکت بالا برود به نفع دیگران به ویژه نوری مالکی خواهد بود. در این انتخابات هم دیده شد که با درصد مشارکت ۳۰ تا ۴۱ درصدی عملکرد نوری‌المالکی بهتر از



۲۰۱۸ بود، در آن سال حدود ۱۹ درصد در انتخابات شرکت کردند.

اما آمار رسمي انتخابات ۲۰۱۸ حدود ۴۴ درصد اعلام شده است.

نه، اينها آمار دستکاري شده هستند. در آن انتخابات حدود ۱۹ درصد از مردم شرکت کردند و مشارکت بالاتر از ۲۰ درصد نبود. قبل از انتخابات عراق يك حمله رسانه‌اي خيلي قدرتمند وجود داشت که مردم را از مشارکت در انتخابات مایوس کند. عمده دعوت به عدم مشارکت در انتخابات در استان‌هاي شيعه نشين بود. من تصور مي‌کنم پشت اين تبليغات، نخست مقتدي صدر بود که مي‌دانست با مشارکت پايين تر به ويژه در مناطق شيعه نشين، مي‌تواند کرسی‌هاي بيشتري به دست بياورد، دوم هم اهل تسنن بودند که مي‌خواهند يك مساله را ريشه‌اي به روي ملت عراق بياورند. دعوت به عدم مشارکت از سوي اهل تسنن خطاب به شيعيان به اين دليل بود که به صورت راهبردي به شيعيان بگويند که بعد از ۱۸ سال حاکميت شما، حتي هم‌مذهب‌هاي خودتان هم از شما مایوس شده‌اند و حاضر به راي دادن به شما نيستند.

---

همان‌گونه که مقتدي صدر در رسيدن به ۱۰۰ کرسی‌هاي مورد نظرش ناموفق بود، هر چند که خيلي دوست دارد که نخست‌وزير را شخصا معرفي کند، اما در اين مسير هم احتمالا ناموفق خواهد ماند

اگر بخواهيم دو نفر را نام ببريم که واقعا شکست‌خورده انتخابات امسال بودند آقایان عمار حکيم و حيدر عبادي بودند. من فکر مي‌کنم که حقشان بيش از ۱۵ کرسی بود. اما ورودشان به اين انتخابات و در چارچوب نظام انتخاباتي جديد با اشتباه محاسباتي انجام و نهايتا به يك معضل سياسي براي اين دو رهبر سياسي تبديل شد

جريان اعتراضات دو سال پيش تمام شده است و آنچه از آن باقي مانده است همين چند نفر هستند که امروز با انتخابات توانسته‌اند وارد پارلمان شوند